

## روش‌های تربیتی اسلام در تحقق عدالت اجتماعی

کلیه اصغر یوسف‌زاده‌وفایی / کارشناس ارشد علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام A.y.zadeh@chmail.ir

سیداحمد رهنمایی / دانشیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام rahnama@qabas.net

دریافت: ۹۳/۶/۱۵ پذیرش: ۹۴/۴/۲۶

### چکیده

یکی از عمده‌ترین نیازهای بشر امروز دستیابی به عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی به‌عنوان یک ارزشی که مورد پذیرش همه جوامع و ملل بوده و هست، همچون هر ارزش دیگری می‌تواند مورد تربیت و انتقال از نسلی به نسل دیگر قرار گیرد. هدف این پژوهش، بررسی اسنادی برخی متون دینی اسلام به منظور کشف روش‌هایی است که در دین اسلام برای تربیت عدالت اجتماعی به کار رفته است. این روش‌ها را با توجه به ناظر بودن آنها به ابعاد سه‌گانه اعمال انسان، یعنی شناخت، انگیزه و رفتار، می‌توان در سه بخش کلی تقسیم نمود: روش‌های تربیت عدالت اجتماعی که ناظر به ایجاد یا تقویت شناخت در فراگیر هستند؛ یعنی روش‌های آگاهی‌بخشی، موعظه و نصیحت، عبرت‌دهی و تمثیل. روش‌های ناظر به ایجاد یا تقویت انگیزه در فراگیر نیز عبارتند از: روش‌های تشویق و تنبیه، تبشیر و انذار، الگودهی، محبت و انگیزه‌بخشی. امر به معروف و نهی از منکر و نیایش را نیز می‌توان به‌عنوان روش‌های ناظر به رفتار برشمرد.

کلیدواژه‌ها: روش تربیت، اسلام، عدالت اجتماعی.

## مقدمه

چارچوب نظام تربیتی اسلام، اگر بخواهیم انسان‌ها به گونه‌ای تربیت شوند که ملتزم به عدالت اجتماعی باشند، از چه روش‌هایی باید بهره گرفت؟ از آنجا که در یک تقسیم‌بندی کلی، اعمال انسان از سه بعد شناخت، انگیزه و رفتار برخوردار است، روش‌های تربیتی ناظر به هر کدام از این ابعاد سه‌گانه کدامند؟

نظام تربیتی اسلام در راستای تربیت عدالت اجتماعی روش‌هایی را ارائه داده است که ما در این پژوهش درصدد بررسی این روش‌ها هستیم. هدف این تربیت، تحقق عدالت اجتماعی در یک جامعه اسلامی خواهد بود.

## مفهوم عدالت اجتماعی

در تعریف عدالت اجتماعی مانند خود واژه عدالت، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در فرهنگ علوم سیاسی آمده است: «عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است. به عبارت دیگر، هر فرد براساس کار، امکانات فکری و ذهنی و جسمی بتواند از موقعیت‌های مناسب و نعمات برخوردار شود» (آقابخشی، ۱۳۷۴، ص ۳۱۷).

در فرهنگ علوم فلسفی نیز این تعریف را برای عدالت اجتماعی می‌یابیم: «عدالت اجتماعی عبارت است از احترام به حقوق دیگران و رعایت مصالح عمومی» (صلیبا، ۱۳۶۶، ص ۴۶۱).

بیان شهید مطهری در توضیح مفهوم عدالت اجتماعی چنین است: «معنی عدالت و مساوات این است که ناهمواری‌ها و پست و بلندی‌ها و بالا و پایین‌ها و تبعیض‌هایی که منشأ سنت‌ها و عادات و یا زور و ظلم است باید محو شود و از بین برود... امکانات اجتماعی باید

مسئله عدالت از دیرباز جزء مهم‌ترین مباحث و دغدغه‌های نوع بشر بوده، همواره مورد توجه اندیشمندان جوامع مختلف و ادیان الهی قرار گرفته است. تاریخ گواه این مدعاست که عدالت، به منزله ارزشی همگانی، آرزوی بشریت بوده و هست. عدالت را به اقسام مختلفی تقسیم نموده‌اند؛ مانند: عدالت فردی، اجتماعی، اقتصادی و... یکی از این اقسام، عدالت اجتماعی است که از اهمیت بسیار زیادی در همه جوامع برخوردار بوده و ضامن ثبات و دوام جوامع به‌شمار می‌رود. در دین مبین اسلام نیز به این مسئله توجه شده و برقراری عدالت اجتماعی، یکی از اهداف بعثت انبیا معرفی شده است (حدید: ۲۵).

عدالت اجتماعی به‌عنوان یک ارزش بنیادین، همچون هر ارزشی برای حفظ دوام و پویایی خویش نیازمند انتقال از نسلی به نسل دیگر است. در واقع، باید ارزش‌ها در مسیر زمان، از طریق آموزش به نسل‌های جدید و تلاش در تربیت این نسل‌ها بر پایه اعتقاد و التزام به آنها، روز به روز نو شده و از غفلت یا فراموشی در امان بمانند. توجه به اهمیت و جایگاه عدالت اجتماعی در جوامع، وجود این ضرورت را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

در زمینه عدالت اجتماعی هرچند آثار زیادی به نگارش درآمده است، ولی عمده این آثار یا به تحلیل مفهوم و ماهیت عدالت پرداخته‌اند و یا اینکه به تبیین جایگاه و اهمیت آن (خواه با نگاهی دینی و اسلامی و خواه با نگاهی غیردینی) همت گماشته‌اند. می‌توان گفت که در زمینه تربیت عدالت اجتماعی، تحقیقی صورت نگرفته و یا حداقل از نگاه اسلامی به این موضوع پرداخته نشده است. هر نظام تربیتی از ارکان و اجزای مختلفی (مانند: اهداف، مبانی، اصول و روش‌ها) تشکیل شده است. در

رسیدن به مقصد و هدف را ممکن و میسر سازد. روش، راه یا طریقی است که بین اصل و هدف امتداد داشته، عمل تربیتی را منظم می‌گرداند و سبب می‌شود که مربی به هدفش برسد (علوی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵).

به طور خلاصه می‌توان گفت که «روش‌های تربیتی، مکانیزم‌ها و شیوه‌های ایجاد یا تغییر رفتار و خصوصیات در فراگیر هستند» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۲۰).

### دسته‌بندی روش‌های تربیت عدالت اجتماعی

شکل‌گیری هر عمل اختیاری و آگاهانه در انسان مبتنی بر سه امر است: شناخت، انگیزه و رفتار. برای اینکه آدمی بتواند عملی را انجام دهد، ابتدا باید آن عمل را بشناسد؛ همچنین باید نسبت به آن عمل، گرایش و انگیزه در او وجود داشته باشد؛ در نهایت، انجام عمل از وی صادر گردد. با استفاده از این مطلب، برای اینکه روش‌های به‌کاررفته در منابع اسلامی برای تربیت عدالت را دسته‌بندی کنیم، ناظر بودن این روش‌ها به هر کدام از ابعاد شناخت، میل و انگیزه و رفتار را ملاک تقسیم خویش قرار می‌دهیم. لازم به ذکر است که مقصود از رفتار در این پژوهش، مفهوم روان‌شناختی آن، که هر فعالیتی اعم از ذهنی و عینی را شامل می‌شود، نیست؛ بلکه منظور جنبه ظاهری و جوانحی اعمال انسان می‌باشد.

### روش‌های ناظر به شناخت

توانایی اندیشه‌ورزی و قدرت شناخت، یکی از اختصاصات وجودی انسان نسبت به سایر موجودات است که تاریکی‌های درون او را روشن کرده، راه هدایت را برای او آشکار می‌کند. براین اساس است که دسته‌ای از روش‌های تربیتی، ناظر به این جنبه وجودی انسان بوده، و در راستای رشد و شکوفایی این توانایی ذاتی فراگیران

برای همه بالسویه فراهم شود» (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۱۴۳).  
**آیت‌الله مصباح** در تعریف عدالت اجتماعی می‌نویسد: «عدالت در مفهوم اجتماعی، یعنی دادن حق هر صاحب حقی... مقتضای عدالت این است که به هر کسی آنچه را که استحقاق آن را دارد بدهند، خواه سهم همه افراد برابر شود یا نشود. اجرای عدالت در بیشتر موارد به مساوات نمی‌انجامد و آنجا که مقتضای عدالت عدم تساوی است، تساوی عین بی‌عدالتی خواهد بود» (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۴۳).

با توجه به تعاریف ذکر شده، می‌توان تعریف ذیل را که حاصل جمع‌بندی تعاریف فوق است برای عدالت اجتماعی برگزید و همین تعریف است که مبنای کار ما در این پژوهش قرار می‌گیرد: عدالت اجتماعی یعنی «رعایت حقوق همه افراد» و «اعطای حق هر صاحب حقی براساس استحقاق وی» و «اجرای قانون بدون تبعیض و استثنا» در عرصه جامعه و اجتماع؛ خواه این حق در حوزه مسائل اقتصادی باشد یا مسائل سیاسی و یا مسائل فرهنگی. براساس این تعریف، عدالت اجتماعی از سنخ فعل بوده، در زمره قوه‌ها یا ملکه‌ها به‌شمار نمی‌رود.

### مفهوم روش‌های تربیتی

تعلیم و تربیت از یک‌سری مبانی برخوردار است که پایه و اساس کارهای تربیتی به‌شمار می‌روند. براساس این مبانی، برخی اصول و بایدها و نبایدهایی برای طی مسیر تربیت تعریف می‌شود. اما برای دستیابی به اهداف تربیتی، دانستن مبانی تربیت و عمل در چارچوب اصول تربیتی کافی نیست؛ بلکه باید براساس این اصول، روش‌های متناسبی برای رسیدن به آن اهداف اتخاذ گردد.

روش‌های تربیت به مجموعه وسایل، راه و رسم‌ها و خط‌مشی‌ها و راه‌های منظم و منتظم اطلاق می‌گردد که

طرح ریزی شده‌اند. نقش این دسته از روش‌های تربیتی، ارائه بینش و شناخت صحیح به انسان است تا از خطاها و اشتباهات وی جلوگیری کند.

### روش آگاهی‌بخشی

تربیت صحیح، تربیتی است که با به کار گرفتن عقل و شکوفا نمودن آن، یعنی تعقل، سامان می‌یابد و انسان را به کمال عقلی می‌رساند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۹۱).  
براین اساس، یکی از شیوه‌های مهم در تربیت، آگاهی‌بخشی به فراگیران است. این روش در پی آن است تا شناخت و آگاهی متریان نسبت به مسئله مورد تربیت افزایش یابد و از آنجاکه افعال اختیاری انسان از دو مبدأ شناخت و انگیزه نشئت می‌گیرند، با تقویت بعد شناخت در تربیتی، زمینه انجام اعمال اختیاری در وی فراهم گردد.  
البته توجه به بعد شناختی تربیتی، می‌تواند معطوف به لایه‌های عمیق‌تر شناخت نیز باشد که در این صورت، روش‌های تربیتی دیگری مانند اعطای بینش مطرح می‌گردد که روشی جدا از روش آگاهی‌بخشی است (کاظمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰). هدف از این روش، اعطای شناخت اولیه به فراگیر است که در واقع، سطوح اولیه شناخت را شامل می‌شود.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه خویش خطاب به اشعث بن قیس، سعی می‌کند که آگاهی او را نسبت به حقیقت قدرت و حکومت، و ضرورت عدالت در استفاده از این قدرت، ارتقا ببخشد. در این نامه می‌خوانیم: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَأَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تُفْتَتَنَّ فِي رَعِيَّةٍ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶۶)؛ قدرتی که در اختیار توست برای شکار طعمه نیست، بلکه بر گردنت امانتی است. آن که تو را بدان گمارده، نگهدارنده امانت را به عهده‌ات گذارده. تو را نسزد که آنچه

خواهی به رعیت فرمایی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «الْمُنْجِيَاتُ فَالْعَدْلُ فِي الرِّضَا وَالْعَضْبِ وَالْقَصْدُ فِي الْعِنَى وَالْفَقْرُ وَخَوْفُ اللَّهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۶۳)؛ ای علی! سه چیز هلاکت‌آور است و سه چیز نجات‌بخش... آن سه چیز نجات‌بخش اینهاست: رعایت عدالت در حال خشنودی و خشم، میانه‌روی (در مصرف) در حال توانگری و فقر، و ترس از خداوند در نهان و آشکار.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کلام دیگری می‌فرماید: «عَدْلٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلَهَا وَصِيَامٌ نَهَارُهَا وَحُجْرٌ سَاعَةٌ فِي حُكْمٍ أَشَدُّ وَأَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَعْاصِي سِتِّينَ سَنَةً» (همان، ج ۷۲، ص ۳۵۲)؛ یک ساعت عمل به عدالت، از عبادت سالیانه‌ای که شب‌هایش نماز و روزهایش روزه باشد برتر است و یک ساعت ظلم و ستم در نزد پروردگار شدیدتر از گناهان شصت ساله است.  
آن حضرت اجرای عدالت را ضامن زنده ماندن احکام الهی معرفی می‌نماید: «الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۹۹)؛ اجرای عدالت سبب زنده ماندن احکام است.

همچنین از ایشان نقل شده است که فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعَدْلَ... تَنْزِيهَاً مِنَ الْمَظَالِمِ وَالْأَثَامِ وَتَسْنِينَةً لِلْإِسْلَامِ» (همان)؛ عدالت باعث پاکیزگی مردم از مظلومه‌ها و گناهان می‌شود و باعث می‌شود که مردم به اسلام رغبت کنند و به آسانی در آن درآیند و فتح و نصرت اسلام حاصل گردد.  
ایشان در کلام دیگری می‌فرماید: «گشایش امور با عدالت است، کسی که عدالت او را در مضیقه اندازد ظلم و ستم مضیقه بیشتری برای او ایجاد می‌کند» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ص ۷۲).

آن امام عدالت‌پیشه در بیاناتی مختلف به

شده است: موعظه به معنای یادآوری قلب است به خوبی‌ها در چیزهایی که باعث نرمی و رقت قلب می‌شود. همچنین یادآوری انسان است در آنچه قلب او را نسبت به ثواب و عقاب رقت می‌بخشد؛ بدین معنا که طبیعتاً انسان را متأثر می‌سازد و او را از بدی‌ها باز داشته و به سوی خوبی‌ها اشتیاق می‌بخشد (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۵، ص ۳۴۵).

«نصیحت» نیز در لغت همان پند و اندرز معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۱۹۹۲۷). نصیحت از واژه‌هایی است که در عرف با موعظه مترادف و همراه آن به کار می‌رود، ولی در اصل لغت با آن متفاوت است. ... معنای اصطلاحی نصیحت، خیرخواهی نسبت به مخاطب و فراخوانی او به خیر و صلاح و پرهیز وی از فساد و نابودی است؛ موعظه نیز همین عملکرد و نتیجه را دارد و به همین دلیل در عرف، این دو واژه با هم ارتباط و همپوشی دارند و به نوعی مترادف و هم‌معنی به حساب می‌آیند (قائمی‌مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۶).

در ذکر مثال برای به‌کارگیری این روش تربیتی در تربیت عدالت اجتماعی، می‌توان به نامه امیرمؤمنان علی علیه السلام، زمانی که محمد بن ابی‌بکر را برای فرمان‌روایی مصر منصوب می‌کرد، اشاره کرد؛ حضرت در آن نامه، وی را نصیحت به عدالت کرده و چنین می‌نویسد: «فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَأَسْ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَلَا يَبْأَسَ الصُّعْفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸۳)؛ در برابر مردم فروتن باش، و آنان را با گشاده‌رویی و نرم‌خویی بپذیر، به همگان به یکسان نگاه کن، خواه به گوشه چشم بنگری یا خیره شوی (همه را به یکسان و همسان بنگر)، تا بزرگان در تو طمع ستم به سود خویش نبندند، و ناتوانان از اجرای عدالت نومید نشوند.

آگاهی‌بخشی در زمینه عدالت اجتماعی پرداخته و خطاب به فرمان‌روایان می‌فرماید: «مَا حُصِّنَ الدُّوْلُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ» (همان)؛ هیچ چیزی به اندازه عدالت، حکومت‌ها را محکم و مصون نمی‌گرداند. این مضمون در احادیث آن حضرت با تعبیرهای مختلفی تکرار شده است: «ثَبَاتُ الدُّوْلِ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ» (همان، ص ۳۳۹)؛ دوام دولت به عدل است؛ «ثَبَاتُ الْمُلْكِ بِالْعَدْلِ» (طبرسی، ۱۳۸۴، ص ۵۸)؛ ثبات و پایداری حکومت در سایه عدالت است؛ «إِعْدِلْ تَدُمَ لَكَ الْقُدْرَةُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۹)؛ عادل باش تا قدرت تو دوام یابد؛ «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعَدْلَ قَوَاماً لِلنَّاسِ» (همان، ص ۹۹)؛ عدالت مایه به سامان رسیدن زندگی مردمان است؛ «الرَّعِيَةُ لَا يَضْلِحُهَا إِلَّا الْعَدْلُ» (همان، ص ۳۴۰)؛ مردم را چیزی جز عدالت اصلاح نمی‌کند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «سُئِلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَنِ الْإِيمَانِ، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ -عَزَّ وَجَلَّ- جَعَلَ الْإِيمَانَ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ، وَالْيَقِينِ، وَالْعَدْلِ، وَالْجِهَادِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۳۰)؛ از امیرالمؤمنین درباره ایمان سؤال شد، ایشان پاسخ داد: همانا خداوند ایمان را بر چهار ستون تکیه داده است: صبر و یقین و عدل و جهاد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَتُنزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى» (همان، ص ۵۶۸)؛ هرگاه عدالت در میان افراد اجرا شود، مردم بی‌نیاز خواهند شد و آسمان رزق خود را فرو خواهد فرستاد و زمین به اذن خدا برکات خود را خارج خواهد کرد.

### روش موعظه

اصل «موعظه» به معنای منع کردنی است که همراه با بیم دادن باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۲۷). نیز گفته

قَبْلَكُمْ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَصَوْلَاتِهِ وَقَائِعِهِ وَمَثَلَاتِهِ وَاتَّعَظُوا بِمَثَْوَىٰ خُدُودِهِمْ وَمَصَارِعِ جُنُوبِهِمْ وَاسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ لَوَاقِحِ الْكِبْرِ كَمَا تَسْتَعِيدُونَ مِنْ طَوَارِقِ الدَّهْرِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹۰)؛ از آنچه به مستکبران و گردنکشان پیش از شما، از عذاب‌های الهی و سخت‌گیری‌های او و خواری و کفرهای او رسیده است عبرت بگیرید و عبرت بگیرید از تیره خاکی که رخسارشان بر آن نهاده است و زمین‌های نمناک که پهلوهایشان بر آن افتاده است و به خدا پناه برید از کبر که در سینه‌ها زاید، چنان‌که به او پناه می‌برید از بلاهای روزگار که پیش آید.

در موارد متعددی از نهج البلاغه، استفاده از این روش تربیتی مشاهده می‌شود؛ از جمله: «إِنَّ لَكُمْ فِي الْقُرُونِ السَّالِفَةِ لَعِبْرَةً أَيْنَ الْعَمَالِقَةُ وَأَيْنَ الْعَمَالِقَةُ أَيْنَ الْفَرَاعِنَةُ وَأَيْنَ الْفَرَاعِنَةُ أَيْنَ أَصْحَابِ مَدَائِنِ الرُّسِّ الَّذِينَ قَتَلُوا النَّبِيَّ وَأَطْفَقُوا سُنَّ الْمُرْسَلِينَ وَأَحْيُوا سُنَّ الْجَبَّارِينَ أَيْنَ الَّذِينَ سَارُوا بِالْجُبُوشِ وَهَزَمُوا [الْأُلوْف] بِالْأُلوْفِ وَعَسَكُرُوا الْعَسَاكِرَ وَمَدَّنُوا الْمَدَائِنَ» (همان، ص ۲۶۳)؛ همانا در روزگاران گذشته برای شما عبرتی است. کجایند عمالقه و فرزندان عمالقه؟ کجایند فراعنه و فرزندان فراعنه؟ کجایند مردمانی که در شهرهای رس بودند؟ آنان که پیامبران را کشتند و سنت فرستادگان خدا را میراندند و سیرت جباران را زنده کردند. کجایند آنان که با سپاهیان به راه افتادند و هزاران تن را شکست دادند؟ آنان که سپاهیان به راه انداختند و شهرها ساختند.

### روش تمثیل و تشبیه

یکی از روش‌های مفید در تعلیم و تربیت، استفاده از مثال و تشبیه است. استفاده از مثال‌های متنوع از راه تشبیه معقول به محسوس، فهم مسائل انتزاعی را برای متریبان آسان‌تر می‌کند. هرچه فراگیر از نظر رشد فکری ضعیف‌تر

امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه خویش به مالک اشتر، وی را در مورد رعایت عدالت میان خویشاوندان و سایر مردم موعظه کرده و می‌فرماید: «ریشه ستمکاری‌شان (خویشاوندان) را با بریدن اسباب آن بخشکان، و به هیچ‌کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن، و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند؛ مانند آبیاری مزارع، یا زراعت مشترک، که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کند، در آن صورت، سودش برای آنان، و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند» (همان، ص ۴۴۱).

### روش عبرت‌دهی

روش عبرت‌دهی از جمله روش‌های تربیتی قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم السلام است که با نظر به دگرگونی‌های زندگی، حوادث و تحولات تاریخی، احوال امت‌ها، حیات و مرگ تمدن‌ها، عظمت و انحطاط دولت‌ها، سرنوشت و فرجام ظالمان و بیدادگران و مانند اینها شکل می‌گیرد. راغب در مفردات درباره مفهوم عبرت چنین می‌نویسد: «اعتبار و عبرت، حالتی است که انسان را از شناخت و معرفت محسوس به شناخت و معرفت نامحسوس می‌رساند. انسان را از امور مشهود به امور نامشهود راه می‌برد. از شناخت چیزی که دیده شده است به شناخت چیزی که در گذشته رخ داده و دیده نشده است واصل می‌کند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۰).

در این روش، مربی با بیان حوادث تاریخی گذشته، آثار و نتایج مثبت عدالت اجتماعی را که در گذشته اتفاق افتاده است، برای متریبی بیان کرده و تبعات ناگوار بی‌عدالتی را به وی گوشزد می‌کند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام با استفاده از این روش تربیتی چنین می‌فرماید: «فَاعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَّمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ مِنْ

امیال است. این بعد شامل میل‌ها، گرایش‌ها، انگیزه‌ها و عواطف انسان نسبت امور مختلف بوده، سبب کشش نفسانی وی به سمت متعلق این گرایش می‌گردد. این جنبه از پایه‌های شکل‌گیری اعمال انسان، در همه نظام‌های تربیتی مورد توجه قرار گرفته، روش‌های تربیتی معطوف به آن در راستای اهداف نظام ارائه شده است. در نظام تربیتی اسلام نیز روش‌های زیادی ناظر به بعد گرایش و انگیزش آدمی به منظور کنترل این گرایش‌ها از انحراف و جهت‌دهی به سمت ارزش‌های مقبول و متعالی وجود دارد. در منابع اسلامی برخی روش‌های تربیتی را می‌توان یافت که ناظر به گرایش‌های انسان بوده و با هدف تربیت عدالت اجتماعی ارائه شده است.

### تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه یک روش تربیتی است که جایگاهش بعد از صورت گرفتن عمل تعریف می‌شود (طوسی، ۱۳۷۷، ص ۲۶).

مقصود از تشویق، پاسخ مثبت در برابر رفتار مطلوب متربی است. این پاسخ‌گویی متنوع است و ممکن است به صورت ستایش از متربی، ابراز مهرورزی به او، واگذاری مسئولیت مناسب به او، وعده پاداش و... جلوه‌گر شود. مقصود از تنبیه نیز پاسخ منفی در برابر رفتار نامطلوب متربی است و برای آن مصادیقی است؛ از جمله: نگاه سرد، روی برگرداندن، بی‌اعتنایی، تغییر چهره، محروم ساختن و... (بهشتی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۴۱).

در تعلیم و تربیت اسلامی تشویق مقدم است. اما اگر تشویق مؤثر واقع نشد و خطا و تخلفی از سوی متربی صورت پذیرفت، به منظور جلوگیری از تکرار تخلف، می‌توان به تنبیه روی آورد (همان، ص ۲۴۰).

امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه خویش به مالک اشتر، به

و یا از نظر رشد طبیعی در سطح پایین‌تری باشد، نقش مثال در تفهیم مطالب بر او بیشتر می‌شود (سادات، ۱۳۷۱، ص ۳۴). «تمثیل از عواملی است که موجب تفهیم ساده‌تر و سریع‌تر مطلب مورد نظر می‌گردد و بر گیرایی و زیبایی کلام می‌افزاید. از جمله تأثیرات تمثیل، می‌توان به محسوس نمودن مفاهیم مجرد و معقول اشاره کرد» (خادمی، ۱۳۷۹، ص ۹۷).

عبدالله بن عباس می‌گوید: در ذی‌قار (موضوعی است نزدیک بصره) بر امیرمؤمنان علیه السلام وارد شدم هنگامی که پارگی کفش خود را می‌دوخت. پس به من فرمود: قیمت این کفش چند است؟ عرض کردم: ارزشی ندارد. فرمود: سوگند به خدا، این کفش نزد من از امارت و حکومت بر شما محبوب‌تر است، لکن (من قبول چنین امارت و حکومتی نموده‌ام برای اینکه) عدالتی را اجرا کرده و حقی را ثابت گردانم یا با بی‌عدالتی مبارزه کرده و باطلی را براندازم (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۱۲). آن حضرت با ذکر این تمثیل، این حقیقت را به ما می‌آموزد که هر حکومتی که در آن عدالت وجود نداشته باشد و یا به دنبال اجرای عدالت نباشد، فاقد هرگونه ارزش و اعتباری است تا جایی که حتی از یک‌لنگه کفش فرسوده نیز بی‌ارزش‌تر است. ایشان در حدیث دیگری، حکومت بدون عدالت‌طلبی را به آب بینی بز تشبیه می‌کند: «و اگر نبود اینکه خدا بر دانشمندان واجب کرده است که در برابر پرخوری ستمگر و گرسنگی ستمکش ساکت ننشینند، ... می‌دیدید که این دنیای شما در نزد من بی‌بهارتر از چیزی است که هنگام عطسه کردن بزنی از بینی او بیرون می‌پرد» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰).

### روش‌های ناظر به میل و انگیزه

بعد دوم از ابعاد اعمال و رفتارهای انسان، بعد گرایش و

آنها نظر می‌کند به سوی وعده‌ها و وعیدهای الهی؛ زیرا خوف آدمی را به شاهراه عدالت و امن و اطمینان سوق داده، و از موارد وعید و نهی الهی و ضرر و گرفتاری دور می‌کند. و رجا انسان را به سوی فضل و کرم و لطف پروردگار متعال دعوت کرده، و دل را نور و حیات روحانی می‌بخشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۳۹۹).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امرای بی‌دادگر را از آتش دوزخ انداز کرده و در مقابل، عدالت‌پیشگان را به مصاحبت با آن حضرت در بهشت بشارت می‌دهد: «أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ أَمِيرٌ مُتَسَلِّطٌ لَمْ يَغْدُلْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ص ۱۲۶)؛ نخستین کسی که وارد آتش می‌شود، حاکم مسلطی است که عدالت نکرده باشد. «مَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَأَنْ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِبًا» (همان، ج ۷۲، ص ۳۵۹)؛ هر که حق مظلومی را از ظالمی باز ستاند همراه و مصاحب من در بهشت خواهد بود.

آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: «الْعَدْلُ مِيزَانُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ أَخَذَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ تَرَكَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۱۷)؛ عدل میزان و ترازوی خداوند در زمین است؛ پس هر کس که مستمسک به عدالت باشد، او را به طرف بهشت می‌کشاند و هر کس که آن را ترک کند به طرف آتش می‌رود.

همچنین از آن حضرت روایت شده است: «دادگران روز رستاخیز در پیشگاه خدا بر منبرهای نورند که طرف راست وی جای دارند و هر دو دست خدا راست است. دادگران کسانی هستند که در حکم خود و درباره کسان و زبردستان خود به عدالت رفتار می‌کنند» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۲۲). امیر مؤمنان علی عَلِيٌّ خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: هر که به بندگان خدا ستم کند خداوند به جای بندگان ستم‌دیده خصم او می‌باشد، و هر که خداوند خصم او باشد

وی سفارش می‌کند که نباید افراد نیکوکار و بدکار در نزد وی یکسان باشند، بلکه باید متناسب با عملکرد هر کدام، تشویق و تنبیه صورت گیرد: «نباید که بدکار و نیکوکار نزد تو یکسان باشد، که اگر چنین شود، نیکوکاران از نیکوکاری دامن فرو خواهند چید و بدکاران به بدکاری عادت خواهند کرد؛ بلکه درباره هر یک چنان کن که خود برای خویش خواسته است» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، ص ۴۳۱).

تشویق در برخی موارد می‌تواند با به زبان آوردن و بیان ویژگی خوب موجود در مرتبی باشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیثی خطاب به امیر مؤمنان علی عَلِيٌّ، او و شیعیانش را برپادارندگان قسط و دادگری توصیف می‌کند: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ الْقَائِمُونَ بِالْقِسْطِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۹، ص ۳۰۷)؛ ای علی! تو و پیروانت برپادارندگان قسط و عدالت هستید. و یا اینکه در حدیث دیگری می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ... أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ فِي رَعِيَّتِي» (همان، ج ۳۸، ص ۱۵۵)؛ ای علی! تو برپادارنده عدالت در میان امت من هستی.

### انذار و تبشیر

انذار و تبشیر از جمله روش‌های تربیتی است که متفکران اسلامی آن را مطرح کرده‌اند. مقصود از روش انذار، ترساندن و یا آگاه کردن مرتبی از عواقب خطرناک کارها و از امور ترسناک در دنیا و آخرت است. و مراد از تبشیر، خبر دادن از اموری است که باعث خوشحالی و مسرت برای مرتبی باشد (طوسی، ۱۳۷۷، ص ۲۰-۲۳).

انذار و تبشیر موجب خوف و رجا در مرتبی می‌شود و این خوف و رجا یکی از مباحث عمده در مسائل اخلاقی است که مورد توجه حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و علمای اخلاق بوده است. برای مثال، امام صادق عَلِيٌّ در مورد تأثیر خوف و رجا در ایمان و روحانیت انسان چنین می‌فرماید: خوف و رجا دو چشم عقل انسانند، و به وسیله



امام حسن علیه السلام به نقل از هندی بن ابی‌هاله، در راستای ارائه الگویی نمونه از عدالت اجتماعی، زندگی اجتماعی رسول خدا صلی الله علیه و آله را توصیف کرده و درباره سیره عدالت‌خواهی نبی مکرم چنین می‌فرماید: چون به احقاق حقی می‌پرداخت، تا پیروز شدن حق، چیزی نمی‌توانست خشم او را فرونشاند و مانند فردی بود که کسی او را نمی‌شناسد (به هیچ چیز و هیچ کس غیر از احقاق حق توجه نداشت) (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۳).

در کتاب سنن‌النبی آداب زیادی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که در جای جای آن آداب، می‌توان توجه ایشان به عدالت اجتماعی و الگو بودنشان را در این زمینه برای مردم مشاهده کرد. برای مثال، در این کتاب ارزشمند چنین می‌خوانیم: «به احدی از مردم جفا نمی‌کرد. پوزش عذرخواهان را می‌پذیرفت» (طباطبائی، ۱۳۷۸، ص ۷۵). رسول اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف امام عصر (عج) وی را بهترین الگوی عدالت معرفی می‌نماید: «او امامی است تقی و نقی و خرم و پسندیده و راهنما و هدایت شده؛ آغاز و پایان عدالت است» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۶۴). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنچنان از ظلم و بی‌عدالتی بیزار بود که در پایان عمر شریف خویش، در اوج قدرت و رهبری جامعه اسلامی، با حالت بیماری بر بالای منبر رفت و در خطبه‌ای خطاب به مردم فرمود: «هر که به پشتش تازیانه زده‌ام، اینک پشت من! از آن قصاص گیرد و هر کس به عرض او ناسزا گفته‌ام، اینک عرض من! از آن تلافی کند و هر کس مالی از او گرفته‌ام، اینک مال من! از آن بگیرد و از دشمنی من بیم نکند که دشمنی شأن من نیست. ای گروه! محبوب‌ترین شما پیش من کسی است که اگر حقی دارد از من بگیرد یا مرا حلال کند که پروردگار خویش را با خاطر آسوده دیدار کنم» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۸۳۱).

ایشان با این کار خویش، نمونه عینی یک انسان

عذرش را باطل کند، و شخص ستمکار محارب با خداست تا وقتی که از ستم دست بردارد و توبه کند. چیزی در تغییر نعمت خدا و سرعت دادن به عقوبت او قوی‌تر از ستمکاری نیست، که خداوند شنوای دعای ستمدیدگان، و در کمین ستمکاران است (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶، ص ۶۸۰).

### روش الگودهی

یکی از بهترین روش‌های تربیت، ارائه الگوی عینی به مربی است. این الگو نمونه‌ای مقبول است که مسیر تربیت را طی کرده و به نقطه مطلوب و هدف تربیت نایل آمده است و مربی می‌تواند از آن تقلید نموده و همانند آن الگو مسیر را طی کرده و به هدف نهایی تربیت برسد. در این روش، نمونه‌ای عینی و قابل تقلید و پیروی در برابر مربی قرار می‌گیرد که در صورت مقبولیت، مربی تلاش می‌کند در همه چیز خود را همانند الگوی مطلوب سازد و گام در جای گام او نهد و بدو تشبه نماید. این روش به دلیل عینی و محسوس بودنش و نیز به سبب میل و گرایش ذاتی انسان به الگوگیری، روشی بسیار مؤثر و سریع در تربیت است و هرچه نمونه ارائه‌شده از کمال بیشتر و جاذبه فراگیرتری بهره‌مند باشد، این روش از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود (دلشادتهرانی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۳).

معصومان علیهم السلام در برخی موارد الگوهایی را برای مردم معرفی می‌نمودند و در بعضی مواقع نیز با گفتار، اعمال و رفتار خودشان، بهترین الگوها را به مردم نشان می‌دادند. امام باقر علیه السلام در ارائه الگوی عدالت‌محوری، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را معرفی نموده و مردم را به درس گرفتن از این اسوه نیکو دعوت می‌کند: «أَبْطَلْ مَا كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَاسْتَقْبَلِ النَّاسَ بِالْعَدْلِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۷۷)؛ آنچه را که در جاهلیت بود باطل کرد، و با اجرای عدالت با مردم روبه‌رو شد.

عدالت محور را برای همگان به نمایش گذاشت.

امیرمؤمنان علی علیه السلام با بیان احساس خویش نسبت به ظلم و بی عدالتی و ارائه الگویی از خویش برای مردم، آنان را به این سیره و روش فرامی خواند: «به خدا قسم، اگر شب را به بیداری به روی خار سعدان به روز آرم، و با قرار داشتن غل‌ها و بندها به بدنم روی زمین کشیده شوم، پیش من محبوب‌تر است از اینکه خدا و رسولش را در قیامت ملاقات کنم، درحالی که به بعضی از مردم ستم نموده، و چیزی از مال بی‌ارزش دنیا غصب کرده باشم» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۳۴۶).

### روش محبت

«انسان بر اساس فطرت خود نیازمند محبت است و با هیچ چیز دیگری مانند محبت نمی‌توان در دل آدمی نفوذ کرده و او را متحول ساخت. محبت منشأ تربیت انسان است» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۰). «روش محبت به‌عنوان یک روش بسیار اساسی در تربیت اخلاقی است» (حسینی دهشیری، ۱۳۷۰، ص ۱۳۸). شهید مطهری درباره تأثیر این روش می‌نویسد: «به عقیده اهل عرفان، محبت و ارادت پاکان و کملین، همچون دستگاه خودکاری خود به خود رذایل را جمع می‌کند و بیرون می‌ریزد. حالت مجذوبیت اگر جا بیفتد از بهترین حالات است و این است که تصفیه‌گر و نبوغ‌بخش است. آری، آنان که این راه را رفته‌اند، اصلاح اخلاق را از نیروی محبت می‌خواهند و به قدرت عشق و ارادت تکیه می‌کنند. تجربه نشان داده است که آن اندازه که مصاحبت نیکان و ارادت و محبت آنان در روح مؤثر افتاده است، خواندن صدها جلد کتاب اخلاقی مؤثر نبوده است» (مطهری، ۱۳۴۹، ص ۷۱).

«هیچ روشی چون روش محبت، در تربیت آدمی مؤثر

نیست» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۸). در این روش تربیتی، تلاش بر این است که در وجود متربی، نسبت به عدالت اجتماعی علاقه و محبت ایجاد شود. این محبت عامل سوق‌دهنده متربی به سمت التزام به عدالت اجتماعی خواهد بود؛ یعنی همان هدفی که مربی به دنبال آن بوده است. در برخی موارد، این ایجاد محبت نسبت به عدالت، با استفاده از محبت و علاقه‌ای که فراگیر نسبت به کسی یا چیزی دارد صورت می‌گیرد؛ به این شکل که ایجاد یا تداوم این محبت و علاقه مشروط به التزام فراگیر به عدالت اجتماعی می‌شود. در بعضی مواقع نیز این هدف از طریق جلب محبت متربی نسبت به کسانی که در زمینه عدالت اجتماعی به سرحد کمال رسیده‌اند دنبال می‌شود؛ چراکه محبت اطاعت‌آور است و سبب همراهی و همسانی می‌شود. به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «انسان با کسی همراه است که او را دوست دارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲۷).

از دیدگاه قرآن، عدالت‌پیشگان و دادگران محبوب خدا هستند و خداوند آنها را دوست دارد. خداوند در این رابطه می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (مائده: ۴۲)؛ خداوند برپادارندگان قسط و داد را دوست دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بعد از من برایتان فرمان‌روایان ستمگری حاکم می‌شوند، پس هر کس دروغ آنها را تصدیق نماید و آنها را بر ستم کردن یاری کند، پس از من نیست و من نیز از او نیستم» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۰).

آن حضرت در خصوص اجرای عدالت حتی در نحوه بوسیدن فرزندان چنین تأکید می‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ﴾ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۰۶).

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس ما را دوست دارد باید مانند ما عمل نماید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷،

مولای متقیان در حدیث شریف دیگری می‌فرماید: «گران‌بهاترین موهبت‌ها عدالت است» (همان، ص ۴۴۶). آن حضرت با خطاب به مسلمانان در مورد بی‌عدالتی که در مورد یک زن ذمی در یکی از جنگ‌ها صورت گرفته بود، چنین می‌فرماید: «به من خبر رسیده است که مردی از آنان (لشکریان متجاوز معاویه، به فرماندهی سفیان بن عوف غامدی) بر زنی مسلمان یا در ذمه اسلام وارد می‌شده و خلخال و دستبند و گردن‌بند و گوشواره او را به زور می‌ستانده، و هیچ مانعی برای این کار جز گریه و زاری و ترحم‌خواهی نمی‌دیده است. بدین‌گونه آن سپاه با اموال بسیار بازگشتند، درحالی‌که هیچ‌یک از ایشان زخمی ندید و خونی از ایشان نریخت. اگر مسلمانی بعد از این از تأسف بمیرد، نباید سرزنش شود، بلکه سزاوار مسلمان است که از چنین غصه‌ای بمیرد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۳۲۶).

### روش‌های ناظر به رفتار

سومین پایه از پایه‌های شکل‌گیری اعمال انسان، جنبه عملی و رفتاری آنهاست. گفته شد که شکل‌گیری و صدور هر عمل آگاهانه و اختیاری از انسان وابسته به سه جنبه شناختی، انگیزشی و رفتاری است که دو جنبه اول پیش‌تر توضیح داده شد و در این مجال به بررسی جنبه سوم می‌پردازیم. اعمال و رفتارهایی که به وسیله عضلات و جوارح بدن انسان انجام می‌شود، از آنجاکه اعضای بدن و اعصاب تحت فرمان روح و نفس است، این رفتارها به نفس، که در واقع هسته مرکزی وجود انسان را تشکیل می‌دهد، نسبت داده می‌شود. در اینجا منظور از رفتار فقط تلاش‌ها و رفتارهای بیرونی نیست، بلکه رفتارهای درونی را نیز دربر می‌گیرد. برخی از روش‌های اسلامی تربیت عدالت اجتماعی با هدف ایجاد یا تقویت این بُعد از اعمال انسان می‌باشد.

ص ۳۰۶). یکی از مهم‌ترین موارد موجود در سیره اهل بیت علیهم‌السلام، عدالت‌ورزی آنان است که دوست‌داران و محبان اهل بیت نیز باید بنا به این فرمایش امیرمؤمنان علیه‌السلام، عامل به عدالت باشند.

### انگیزه‌بخشی

یکی از ارکان انجام هر عمل، وجود انگیزه نسبت به آن است. با مراجعه به روش‌های تربیتی درمی‌یابیم که برخی از این روش‌ها ناظر به ایجاد انگیزه در متربی است؛ روش‌هایی مانند تشویق و تنبیه، انذار و تبشیر و... اما در بررسی منابع اسلامی، به مستندات مربوط به تربیت عدالت اجتماعی می‌رسیم که نمی‌توان آنها را در قالب هیچ‌کدام از روش‌های تربیتی جای داد؛ و از طرفی، با دقت در این موارد می‌بینیم که معطوف به برانگیختن انگیزه برای تخلق به عدالت اجتماعی در متربی هستند. از این رو، «انگیزه‌بخشی» را به‌عنوان یک روش مستقل در تربیت عدالت اجتماعی ذکر می‌کنیم.

در این زمینه، به این حدیث از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اشاره می‌کنیم که عدالت را زینت ایمان معرفی کرده و از این طریق، انگیزه تخلق به عدالت اجتماعی را در مخاطب ایجاد می‌کند: «الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ» (همان، ج ۷۴، ص ۱۳۱). امام صادق علیه‌السلام در حدیثی فرمود: «اجرای عدالت، از آبی که شخص تشنه‌لب به آن دسترسی پیدا کند نوشین‌تر است» (همان، ج ۲، ص ۱۴۶). تعبیر زیبای دیگری نیز در مورد عدالت از آن حضرت نقل شده است: «عدل شیرین‌تر از عسل، و نرم‌تر از کره، و خوش‌بوتر از مشک است» (همان، ص ۱۴۷).

امیرمؤمنان علیه‌السلام نیز با بیانی دیگر مخاطب خویش را به سمت عدالت‌برمی‌انگیزاند: «عدل، پیروزی (به‌بخیرات اخروی و دنیوی) و کرامت است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۶).

## روش امر و نهی

از جمله روش‌های تربیتی که از طرف اندیشمندان علوم تربیتی و بخصوص اندیشمندان اسلامی ارائه شده است، روش امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف عبارت است از طلب و درخواست برای انجام امور خیر و نیک و نهی از منکر، بازداشتن مرتبی است از بدی و کار نادرست (احمدی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۶). در مفهوم هر دو واژه امر و نهی، مفهوم فرمان و دستور نهفته است؛ در مفهوم امر گفته‌اند: «هُوَ الطَّلَبُ مَعَ الْإِسْتِعْلَاءِ»؛ امر، خواستن با برتری است و در مفهوم نهی نیز گفته‌اند: «الرَّجْزُ عَنِ الشَّيْءِ»؛ بازداشتن از چیزی؛ و این همان فرمان به ترک است (قدس، ۱۳۷۹، ص ۲۶). امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک امر اجتماعی، در موارد گوناگون جنبه ارشادی دارد و از این جهت نیز یک روش تربیتی اساسی است. انسان طبیعتاً ارشاد را بهتر از دستور دادن تحمل می‌کند (شریعتمداری، ۱۳۶۶، ص ۲۰۰).

در بیان تفاوت روش امر به معروف و نهی از منکر با روش موعظه و نصیحت، باید گفت:

در موعظه، جنبه اقناعی بسیار قوی است؛ در آن روش‌ها مربی می‌کوشد در فرد انگیزه‌ای درونی برای اقدام به عمل ایجاد کند، تا فرد براساس آن انگیزه عمل کند؛ اما در امر به معروف و نهی از منکر، جنبه اقناعی کم‌رنگ‌تر و جنبه فشار بیرونی برای وادار کردن فرد به عمل بارزتر است. امر و ناهی درصدد آن هستند که با فشار بیرون، فرد وادار به عمل شود، خواه خود او از صمیم قلب مایل به آن کار باشد یا نباشد (داودی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۰).

از این رو، ما در این پژوهش، همه مواردی را که بعد از امر یا نهی، دلیل یا توضیحی در مورد این امر و نهی آمده است، زیرمجموعه موعظه و نصیحت ذکر کردیم و تنها مواردی را که صرفاً امر و نهی صورت گرفته است، در این

## قسمت بیان می‌کنیم.

قرآن به پیامبر خود دستور می‌دهد که اگر در میان یهود داوری می‌کنی با عدالت داوری کن: ﴿وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ﴾ (مائده: ۴۲). وقتی که داوری در بین غیرمسلمان باید با رعایت قسط و عدل باشد، در جامعه اسلامی ضرورت آن بیشتر خواهد بود.

یکی از آیات سوره «انعام»، مردم را سفارش به استیفای پیمان‌ها و ترازوها براساس قسط و عدالت می‌کند: ﴿أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ﴾ (انعام: ۱۵۲)؛ پیمان‌ها و وزن را از روی عدل تمام کنید. همین تعبیر را با اندکی تفاوت در سوره «الرحمن» مشاهده می‌کنیم: ﴿أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾ (الرحمن: ۹)؛ وزن کردن را به عدالت رعایت کنید و کم‌فروشی نکنید.

خداوند مؤمنان را به رعایت عدالت در حقوق زنان دستور می‌دهد: ﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَاراً لِّيَتَّعِدُوا﴾ (بقره: ۲۳۱)؛ و هر گاه زنان را طلاق دادید، بایستی تا نزدیک پایان زمان عده، یا آنها را به سازگاری (در خانه) نگاه دارید و یا به نیکی رها کنید، و روا نیست آنان را به آزار نگاه داشته تا بر آنها ستم کنید.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲۱)؛ دشمن ظالم، و یاور مظلوم باشید.

آن حضرت در نامه خویش به مالک/اشتر، وی را به رعایت عدالت امر می‌فرماید: «هر کاری را در جای خود و در زمان مخصوص به خود انجام بده» (همان، ص ۴۴۴). و نیز می‌فرماید: «حق را به صاحب حق، هر کس که باشد، نزدیک یا دور، بپرداز» (همان، ص ۴۴۱).

آن حضرت در نامه‌ای که به ابن عباس، کارگزار خود در بصره نوشته است، چنین می‌فرماید: «باید قدرت خود

سرزمین قبیله «جدیمه بن عامر» رهسپار کرد، به او دستور داد که خونی نریزد و از در جنگ وارد نشود، اما وی به دستور پیامبر عمل نکرد و عده‌ای از بنی جدیمه را به قتل رساند. وقتی خبر جنایت خالد به گوش پیامبر رسید، سخت ناراحت شد؛ فوراً به علی علیه السلام مأموریت داد که به میان قبیله مزبور برود و خسارت جنگ و خون‌بهای افراد را به طور دقیق بپردازد. علی علیه السلام در اجرای دستور پیامبر به قدری دقت به خرج داد که حتی قیمت ظرف چوبی که سگ‌های قبیله در آن آب می‌خوردند و در برخورد خالد شکسته شده بود، پرداخت و کار عدالت را به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله به چنان صحنه‌ای زیبا و به یادماندنی تبدیل کرد تا صحنه جنایات خالد از ذهن مردم کمی زدوده شود؛ حتی مبلغی به کسانی که از حملات خالد ترسیده بودند پرداخت و کاملاً از آنان دلجویی کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله روش عادلانه علی علیه السلام را تحسین کرد و سپس رو به قبله ایستاد و به حالت استغاثه فرمود: «خداوندا، از آنچه خالدین ولید مرتکب شده من بیزاری می‌جویم» (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۱۷).

در دعای امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ قَلْبِي مِنْ أَنْ أُظْلِمَ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۷۴)؛ پروردگارا، همچنان‌که دوست نداری من مورد ظلم قرار گیرم، پس، از اینکه به کسی ستم نمایم مرا ننگه دار. در جایی دیگر، آن حضرت از خداوند می‌خواهد: «الْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ» (همان، ص ۹۶)؛ آرایش پرهیزگاران را بر من بپوشان، (تا بکوشم) برای اجرای عدالت. در فراز دیگری از این کتاب گران‌بها می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ نَعْصِدَ ظَالِمًا، أَوْ نَخْذُلَ مُلْهُوفًا، أَوْ نَرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ» (همان، ص ۵۶)؛ خدایا! به تو پناه می‌برم... از اینکه ظالمی را یاری کنیم و یا مظلوم و دلسوخته‌ای را بی‌یاور گذاریم و یا آنچه حق ما نیست بخواهیم.

را برای مال‌اندوزی به کار‌نگیری و نخواهی که با آن خشم خود فرونشانی، بلکه باید با آن باطل برفتد و حق برآید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۳۲۸).

### روش نیایش

دانشمندان علوم تربیتی یکی از روش‌های تربیت‌راه، بخصوص در تربیت خویشتن و خودسازی، روش دعا و نیایش بیان کرده‌اند (بهشتی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۶۴). از نظر برخی از اندیشمندان، دعا و نیایش یکی از روش‌های تربیتی اساسی اسلام به‌شمار می‌رود (شریعتمداری، ۱۳۶۶، ص ۲۱۹). در این روش تربیتی، مربی خواه درصدد تربیت مرتبی باشد یا تربیت خویشتن، دست به دعا برداشته و در مورد مسئله مورد تربیت با خداوند به نیایش می‌پردازد.

در تاریخ نقل شده است که هرگاه دو نفر بر سر موضوعی با هم اختلاف پیدا می‌کردند و به محضر امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌رفتند، هر کدام بر صدق ادعای خود گواه می‌آوردند، اگر گواهان هر دو از نظر عدد و عدالت با هم برابر بودند، حضرت بین آنان قرعه می‌زد که کدام یک سوگند یاد کند و قرعه به نام هر کدام درمی‌آمد، اگر سوگند یاد می‌کرد بر طبق ادعایش حکم می‌نمود. آن حضرت هنگام قرعه زدن، دست به نیایش برداشته و این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ أَيُّهُمْ كَانَ لَهُ الْحَقُّ فَأُذِّهِ إِلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۱۹)؛ خدایا! ای پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه، هر کدام که صاحب حق است حق را به او برسان. این دعا را می‌توان نوعی روش تربیتی برای متخاصمان دانست که آن حضرت با این روش ضمن حل اختلاف، درصدد تربیت عدالت نیز بوده است.

ائمه در دعاهایشان به مردم یاد می‌دادند که نه ظلم کنند و نه مورد ظلم واقع شوند. هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خالدبن ولید را برای تبلیغ و شکستن بت «عزی» به

## نتیجه‌گیری

براساس آنچه گذشت، این پژوهش با هدف تبیین روش‌های تربیتی اسلام در تحقق عدالت اجتماعی تدوین شده است. وجود عدالت اجتماعی لازمه دوام و ثبات هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود و همچون هر ارزش دیگری، قابل تربیت و انتقال از نسلی به نسل دیگر است. با بررسی آیات و روایات مختلف در حوزه عدالت اجتماعی و جمع‌بندی آنها، به این نتیجه می‌رسیم که اسلام اهمیت زیادی به مسئله عدالت اجتماعی و تربیت افراد جامعه براساس این ارزش قایل شده است. اسلام به منظور تربیت عدالت اجتماعی، همه ابعاد وجودی انسان را در نظر گرفته و متناسب با هر کدام از ابعاد شناختی، انگیزشی و رفتاری انسان، روش‌های متفاوت تربیتی را ارائه نموده است. از این رو، نگاه جامع‌نگرانه اسلام به تربیت انسان، در موضوع تربیت عدالت اجتماعی نیز همچون هر ساحت تربیتی دیگری نمود و ظهور دارد. این جامع‌نگری اسلام می‌تواند به‌عنوان بهترین الگو و سرمشق، سرلوحه کار مربیان و برنامه‌ریزان تربیتی قرار گرفته، آنان را به لحاظ کردن همه جوانب زندگی این جهان اکبر و پرهیز از ارائه روش‌ها و راه‌کارهای بخشی‌نگرانه فراخواند.

یافته‌های این پژوهش زمینه را برای محققان عرصه عدالت اجتماعی و تدوین‌کنندگان کتب درسی مقاطع مختلف تحصیلی فراهم می‌سازد تا با در نظر گرفتن سطح سنی فراگیران و استفاده از روش‌های ارائه‌شده در این پژوهش، راه‌کارهای عینی‌تر و عملیاتی‌تری برای تربیت عدالت اجتماعی و در نتیجه، تحقق جامعه‌ای عدالت‌محور ارائه نمایند.

## منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.
- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه و شرح علی‌نقی فیض الاسلام اصفهانی، چ پنجم، تهران، فیض الاسلام.
- نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ترجمه حسین انصاریان، چ دوم، تهران، پیام آزادی.
- صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، قم، الهادی.
- آقابخش، علی و مینو افشاری‌راد، ۱۳۷۴، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ابن منظور، محمدبن مکرّم، ۱۴۱۶ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- احمدی، احمد، ۱۳۶۸، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، بی‌جا، جهاد دانشگاهی.
- بهشتی، محمد و همکاران، ۱۳۸۰، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- پابنده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، نهج الفصاحه، چ چهارم، تهران، دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۷۷، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- حراعلی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حسینی دهشیری، افضل‌السادات، ۱۳۷۰، نگرشی به تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- خادمی، عین‌الله، ۱۳۷۹، بررسی عوامل مؤثر بر درونی‌کردن ارزش‌های اسلامی در دانش‌آموزان از دیدگاه مربیان تربیتی نواحیه ۲ آموزش و پرورش قسم در سال تحصیلی ۱۳۷۸-۱۳۷۹، قم، اداره کل آموزش و پرورش.
- داودی، محمد، ۱۳۸۴، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دلشادتهرانی، مصطفی، ۱۳۷۶، سیری در تربیت اسلامی، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- ، ۱۳۷۹، مکتب مهر اصول تربیت در نهج البلاغه، تهران، دریا.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، ارشادالقلوب الی الصواب، قم،

- شریف‌رضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ق، *مفردات الفاظ قرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، الدارالشامیه.
- سادات، محمدعلی، ۱۳۷۱، *راهنمای آموزش تعلیمات دینی*، تهران، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
- شریعتمداری، علی، ۱۳۶۶، *تعلیم و تربیت اسلامی*، چ سوم، تهران، امیرکبیر.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۸۰، *علل الشرائع*، ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی، قم، مؤمنین.
- صلیبیا، جمیل، ۱۳۶۶، *فرهنگ علوم فلسفی*، ترجمه منوچهر صانعی، تهران، حکمت.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۸، *سنن النسبی*، ترجمه محمدهادی فقهی، تهران، اسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۰، *مکارم الاخلاق*، چ چهارم، قم، شریف رضی.
- ، ۱۳۸۴، *نثر الالهی*، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- طوسی، اسدالله، ۱۳۷۷، *روش‌های تربیتی انذار و تبشیر در قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- علوی، سیدحمیدرضا، ۱۳۸۹، *فرهنگ تفصیلی مفاهیم فلسفی و فلسفی = تربیتی*، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.
- فیض کاشانی، ملّامحسن، ۱۴۰۶ق، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- قائمی‌مقدم، محمدرضا، ۱۳۹۱، *روش‌های تربیتی در قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قدس، طیبه، ۱۳۷۹، «امر به معروف و نهی از منکر»، *اصلاح و تربیت*، دوره قدیم، ش ۶۳، ص ۲۶-۲۸.
- کاظمی، حمیدرضا، ۱۳۸۹، *اصول و شیوه‌های تربیت اخلاقی از نگاه علّامه مصباح یزدی و دلالت‌های آن در برنامه‌ریزی درسی آموزش و پرورش کشور*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، چ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ، ۱۴۰۴ق، *مرآة العقول*، چ دوم، تهران، اسلامیه.
- محدث نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۷، *حقوق و سیاست در قرآن*، نگارش محمد شهبازی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة*، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۴۹، *جاذبه و دافعه علی علیه السلام*، تهران، حسینیه ارشاد.
- ، ۱۳۶۱، *بیست گفتار*، چ هفتم، قم، جامعه مدرسین.